



**در دنیا لذتی نیست  
که با لذت مطالعه برابری کند.**

تولستوی

## روش شناسی در مطالعه

سید اسماعیل طاهری

### اشاره:

در عصری که بسر می‌بریم با همه ارتباطات و اطلاع‌رسانی قوی که وجود دارد، خواندن و مطالعه کردن جایگاه ویژه‌ای دارد. هرکسی در هر شغل و مقامی لازم دارد، بخشی از اوقات خود را صرف مطالعه کردن نماید. مطالعه می‌تواند از روزنامه یا مجلات باشد یا کتاب‌های علمی و فنی و یا کتاب‌های قصه و داستان و ...

«مطالعه، امری که موجب می‌شود فکر بدون کمک گرفتن از منبع خارجی، تنها با استفاده از توان خویش و با تمرکز روی نوشته‌ها، به آگاهی دست یابد و درک خود را از مرحله پائین‌تر، به مرحله بالاتر ارتقاء بخشد.»<sup>۱</sup> در این مقاله، نگارنده، ضمن برشمردن عادت مطالعه و نقش نظام آموزشی و خانواده در تقویت آن، به روش مطالعه در برنامه‌های آموزشی و درسی نیز اشاره کرده و در پایان خاطرنشان نموده که رعایت این اصول نه تنها از افت تحصیلی هزاران دانش‌آموز می‌کاهد بلکه باعث پیشرفت تحصیلی آنها می‌شود.

عامه مردم بر این باورند که «عادت به مطالعه» امری فطری است و بسیاری از کودکان به دلیل کنجکاوی و علاقه ذاتی، از همان ابتدا به سوی آن کشیده می شوند؛ در صورتی که گروهی دیگر، از آغاز دلبستگی چندانی به مطالعه ندارند. پژوهش های اخیر در بُعد تعلیم و تربیت، با استناد به تحقیقات انجام شده، ثابت کرده اند که «عادت به مطالعه امری ذاتی نیست، بلکه کاملاً اکتسابی است.»

همچنان که کودک خواندن و نوشتن و حساب کردن را فرامی گیرد، می تواند مطالعه کردن را هم یاد بگیرد. پس باید روش مطالعه کردن را به کودک آموخت و او را با آن عادت داد.

با عنایت اعتقادی به این اصل، باید راه و روش ها و شیوه های ایجاد حال و هوای عادت به مطالعه را با توجه به موازین آموزش و پرورش بررسی کرد و پس از جست و جو و تحقیق لازم، بهترین الگوهای علمی را برای هر چه زودتر پیاده کردن آن در پیش گرفت.

بر اساس تحقیقات مدون، عادت به مطالعه امری اکتسابی است. در نتیجه این خصلت مانند دیگر الگوهای رفتاری، در روند رشد اجتماع گرایی کودک، امری مثبت و بدیهی است.

با عنایت به اعتقاد پیشکسوتان علوم تربیتی، نخستین عامل مؤثر در ایجاد حال و هوای عادت به مطالعه، خانواده است.

اگر اولیای کودک عادت به مطالعه داشته باشند و کودک در لحظاتی که با آن ها می گذرانند، مشاهده کند، پدر و مادرش کتاب، مجله و روزنامه می خوانند و نیز ببیند که راجع به کتاب ها و نکته های خاصش بحث و گفت و گو می کنند، با توجه به ضمیر گرایی کودکان اش، علایق

والدین را باورق زدن کتاب پی می گیرد و بسیار زود با کتاب انس و آشنایی پیدا می کند.

در بدو امر، با در دست گرفتن کتاب و سپس با نگاه به کتاب های تصویری و دیدن و پیدا کردن اجزا و اشیای اطراف خود در کتاب های متفاوت، به کتاب دلبستگی پیدا می کند (همان مراحل بازشناسی)، و از آن پس، بی اختیار به سمت کتاب کشیده می شود.

این امر کم کم در او شکل عادت به خود می گیرد. برای مثال، از بازی کردن با کتاب خوشحال می شود و از تماشای آن لذت می برد. این دسته از کودکان که مراحل بنیادین و در عین حال اساس آشنایی با کتاب را در خانواده فرا می گیرند، در فضای مدرسه خیلی زود و بدون هیچ مشکل، به کتاب و کتابخوانی عادت می کنند و این خصلت در نهاد وجودی شان جایی می یابد و پایدار هم می شود.

## عادت به مطالعه امری ذاتی نیست،

### بلکه کاملاً اکتسابی است

ولی آیا می توان تصور کرد که در تمامی جوامع، خانواده می تواند در ایجاد عادت به مطالعه در کودکان نقش فعال داشته باشد؟ این تصور را می توان در مورد جوامعی که والدین کودکان، تحصیل کرده اند و اهل کتاب و مطالعه باشند، پذیرفت. ولی در جامعه های که بیش تر خانواده ها به مسأله خواندن توجهی ندارند و یا حتی سواد خواندن و نوشتن هم ندارند، نمی توان پذیرفت.

چگونه باید «حال و هوای عادت به مطالعه» را در کودکان ایجاد کرد؟

در چنین شرایطی، وظیفه مدرسه، شروع

سنگ بنای عمارتی است به نام عادت به مطالعه در دانش‌آموزان. شاید بعضی تصور کنند، عادت به مطالعه تنها یک امر سوری و نمایشی است و وظیفه‌ای برای مدرسه ایجاد نمی‌کند. در نتیجه، مدرسه ملزم نیست در برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود به آن توجه کند. در این جاست که باید متعصبانه گفت، این برداشت، پنداردستی نیست و مدرسه مسؤول است که وظیفه ایجاد این عادت را به طور مستقیم و سیستماتیک برعهده بگیرد.

به عبارت دیگر، نظام آموزش و پرورش باید برنامه‌ریزی مدونی تحت عنوان: «روش مطالعه کردن» در برنامه‌های آموزشی خود بگشاید.

## وظیفهٔ مدرسه، شروع سنگ بنای عمارتی است به نام عادت به مطالعه در دانش‌آموزان

اگر این اصل را قبول داشته باشیم که نظام آموزش و پرورش در مقابل جامعه، مسؤولیت تعلیم و تربیت کودک را برعهده دارد تا بار فرهنگ را به نحوی مقتضی به او انتقال دهد، و بپذیریم که مطالعه یکی از راه‌های این تبادل علم و دانش است، آن وقت می‌پذیریم، یکی از نهادهای اجتماعی، موظف است که این مسؤولیت را به دوش بکشد. اما کدام نهاد؟ خانواده یا اجتماع؟ خانواده که نمی‌تواند؛ زیرا وظیفهٔ خانواده انتقال دانش و فرهنگ نیست، وانگهی خانواده آن قدر مسئله دارد که موضوع عادت به مطالعه، از لحاظ تخصصی بودن و ظرفیت خاص خود،

نمی‌تواند امری همه‌گیر شود. اجتماع هم که وظیفهٔ مشخصی در مورد کودکان ندارد. پس تنها مرجع موجه و مسلم، نظام آموزشی کشور است که پایه‌های اصلی آن در مدرسه کاشته شده‌اند. البته نه بر مبنای روش‌های کهنه و گذشتگان؛ تهیه یک گنجینه و چند جلد کتاب، فقط برای وانمود کردن این که ما هم کتابخانه داریم.

برای تغییر این رویه نادرست، لازم است که روش مطالعه مانند درس‌های دیگر، همچون علوم اجتماعی، به گونه‌ای جامع، در برنامه نظام آموزشی گنجانده شود.

اصول و روش مطالعه هیچ گونه پیوستگی، از نظر کُد گذاری، با دیگر درس‌ها ندارد، بلکه به همه این درس‌ها مربوط است. می‌توان بخشی از مباحث این درس‌ها را به عنوان مباحث مطالعه در درس روش مطالعه منظور کرد و به تدریس و تعلیم لازم پرداخت.

به عبارت دیگر، می‌توان برای اجرای درست برنامه‌های درسی، از درس روش مطالعه کمک گرفت تا بدین وسیله، یکی از مبادی فرار و افت تحصیلی (نمی‌دانم چگونه مطالعه کنم تا موفق شوم)، بسته شود. توجه به این اصول، عامل پیشرفت تحصیلی بیش از ۹۵ درصد کودکان در دوره دبستان (بارعایت روش مطالعه) خواهد شد و شاخ یکی از شاخه‌های افت تحصیلی، بدین ترتیب شکسته می‌شود. مسلماً در مراحل اجرا خواهیم دید، تا چه اندازه روش شناسی در مطالعه، شرایط اقتصادی و اجتماعی از بعد افت تحصیلی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۱. مارتیمرجی. آدلرو چارلزون دورن. چگونه کتاب بخوانیم. ترجمه محمد صراف تهرانی.